

ادبیات مدرن نمایشی آمریکا

از ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۹

(بخش سوم)

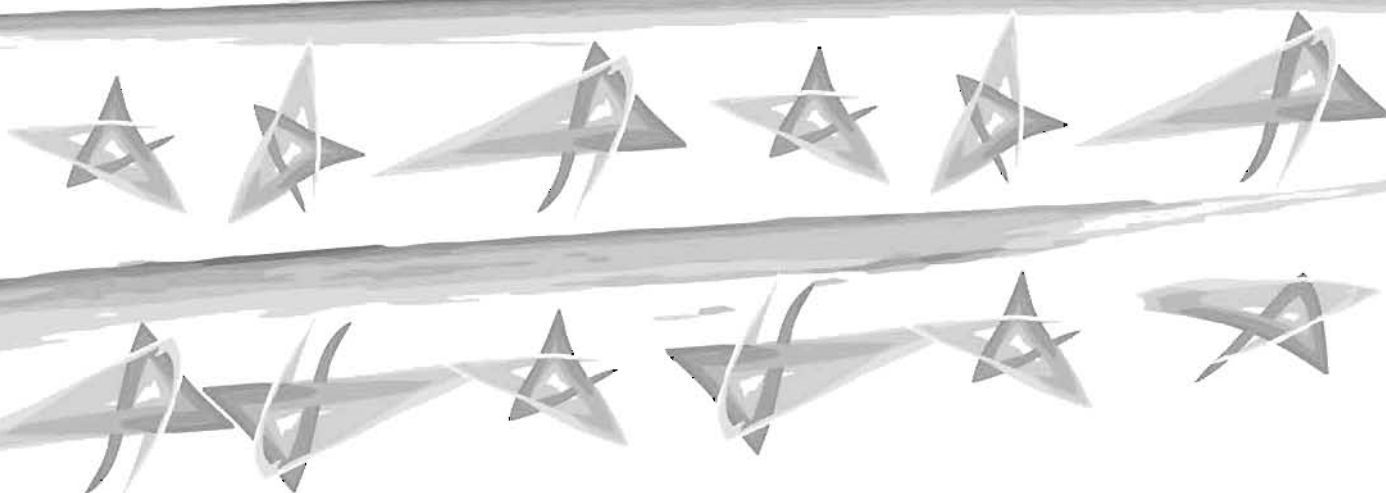
مازیار اولیایی نیا

موضوع نمایش دیوید ممت با عنوان «گلنگری گن راس» (۱۹۸۴) مجموعه فعالیت های غیر اخلاقی و در مواردی غیر قانونی یک بنگاه معاملات ملکی در شیکاگو است که املاک و مستغلاتی را در ایالت فلوریدا می فروشد. پرده اول نمایش شامل سه صحنه، در یک رستوران چینی اتفاق می افتد و مجموعه ای از تلاش ها و توطئه ها را نشان می دهد که در آن فروشندگان این بنگاه می خواهند به هر نحو ممکن فروش خود را بالا ببرند، از طریق رشوه دادن به مدیر بنگاه برای خریدن فهرست نام مشتریان مهم، و یا سوء استفاده از نقطه ضعف های مشتریان برای تحت فشار قرار دادن آنها. از طرفی دیوید ماس که از فشار بنگاه بر خویش برای بالا بردن فروش املاک متنفر است، نقشه دزدی از بنگاه را می کشد تا اسرار مربوط به

مشتریان را به سرقت ببرد و آن را به بنگاه رقیب بفروشد. جرج آرونو نمی خواهد که هیچ نقشی در این دزدی داشته باشد و لیکن دیوید سعی در ترساندن او دارد تا با وی در این نقشه همدستی نماید.

در پرده دوم نمایش که در محل بنگاه معاملات املاک اتفاق می افتد، موضوع دزدی به پلیس گزارش داده شده است و پلیس مشغول بازجویی از کارکنان برای بدست آوردن سر نخی درباره دزدی است. زد و بندهای کیف میان کارکنان برای ریودن مشتری ها از چنگ یکدیگر و یا دادن اطلاعات گمراه کننده به یکدیگر، بخشی از مجموعه روابط پیچیده در این بنگاه معاملات است. افشای نام مسببین سرقت شب گذشته، پس از آنکه شلی لوین اعتراف می کند که دزدی کار او و دیوید ماس بوده است، کار بعضی را به بازداشت می کشد و این درحالی است که جان

ویلیامسون مدیر مورد تنفر بنگاه و ریچارد زما (فروشنده ای مکار و زبردست و فاقد هر گونه اصول اخلاقی) در مکالماتشان از همدستی با یکدیگر و توطئه های پنهانی سخن می گویند. این نمایش را می توان شکل جدیدی از نمایشنامه «مرگ دستفروش» دانست با این تفاوت که برخلاف ویلی لمن، فروشندگان این بنگاه می دانند که جنس تقلبی به خریداران خود می فروشند و در این روایت جدید «انسان گرگ انسان است»، شخصیت ها تنها گلیم خود را از آب بیرون می کشند و می دانند که موفقیت یکی به معنای شکست آن دیگری است و هر یکی آماده است تا به دیگری از پشت خنجر بزنند. شخصیت ها در نمایش گلنگری بافندگان حرف مفت هستند. تفاوت حرف مفت و دروغ در آن است که دروغگو به نحوی نگران حقیقت و یا فاش شدن حقیقت است در حالی که نگرانی اصلی حرف مفت باف اصولاً حقیقت نیست، او





Glengarry Glen Ross



Glengarry Glen Ross



Glengarry Glen Ross

با دستپاچی می خواهند کلکی سوار کنند و مشتری تغییر رأی داده را دست به سر کنند. لوین نقش یک مشتری راضی رُما را بازی می کند که می خواهد هر چه زودتر معامله ای را قطعی کند و از آنجا خارج شود و در نتیجه رُما باید به عنوان راتنده او تا فرودگاه، بنگاه را ترک کند و بدین ترتیب از رویارویی با مشتری ناراضی فعلی اش خلاص شود. بدین ترتیب ممت نوعی رقص کلامی میان لوین و رُما را تدارک می بیند که درجه کمال در شیادی را به نمایش می گذارد. اگر رُما بتواند ملاقات با مشتری ناراضی اش را تا فردا به تعویق اندازد، دیگر کار از کار خواهد گذشت و قرارداد پر سود وی قطعی خواهد شد. اما در این میانه ویلیامسون که مدیر بنگاه است و قصد کمک به رُما را دارد، بی آنکه وضعیت را به درستی درک کند با گفتن اینکه وی چک مشتری را نقد کرده است، کارها را خراب می کند. او می خواهد با گفتن این حرف مشتری را متقاعد کند که دزدی شب گذشته چیزی را عوض نمی کند و معامله پایان یافته است. اما مشتری با شنیدن این حرف فوراً از بنگاه خارج می شود تا جلوی نقد شدن چک

ماهیت گمراه کننده آن را می پوشانند. اما در عمق لایه های حرف مفت در این نمایش می توان چیزی ژرف تر را کشف کرد. رابطه ای همچون رابطه پدر و فرزندی و یا مرید و مرادی بین رُما و لوین وجود دارد. رُما اگر چه در فروش از لوین عقب است و لیکن به نوعی به موفقیت پیر و مرشد خود افتخار می کند و با دقت به داستان های فروش مستغلات توسط لوین توجه می کند. رُما با وجود تمامی شارلاتان بازی و سطحی گری خود، لوین را ستایش می کند. در چنین محیط بی رحم و شفقتی رابطه میان رُما و لوین نزدیک ترین حس به علاقه و عطوفت است که می توان در نمایش ممت یافت.

یکی از صحنه های کلیدی در این نمایش مربوط به زمانی می شود که یکی از مشتریان رُما به بنگاه باز می گردد تا قرارداد خود را فسخ کند. هر مشتری می تواند تا سه روز پس از معامله، فسخ قرارداد نماید. رُما پس از پیدا شدن سرو کله مشتری، حدس می زند که او برای بهم زدن قرارداد آمده است و در نتیجه می خواهد از مواجه شدن با او طفره برود. در اینجا رُما و لوین با علم و اشاره و

نه می خواهد حقیقت را بگوید و نه می خواهد حقیقت را بپوشاند، بلکه تنها می خواهد بار خود را به هر ترتیب ممکن به مقصد برساند و فروشندگان بنگاه گلنگری در هنر بافتن حرف مفت استادند.

اما در نمایش ممت، بهترین فروشنده - بهترین حرف مفت زن - بودن، ارزان تمام نمی شود. لوین، ماس و جرج آرونو همگی یهودیانی میانسال هستند که برای گذران زندگی، روش نامشروعی را پیشه کرده اند. ممت تحت تأثیر واقعیت گرایی شیکاگویی که زمخت و سرراست است، زبانی مستهجن و بی پرده را به خدمت می گیرد که زبان افراد کف شهر است و از استعمال لغات یهودی در زبان مکالمه آمریکاییان سود می جوید. درباره زبان مستهجن آهنگین ممت بسیار گفته اند، زبانی که بی ملاحظه و همچون تیغ بُرنده است. اما شاید هیچ نمایشی بهتر از این اثر ممت تأثیر استفاده از زبان مستهجن را به نمایش نگذارد. در اینجا لغات بیش از آنکه بیانگر معنایی واقعی باشند، عمق احساس، حساسیت ها و منافع شخصی افراد را نمایش می دهند. ظاهر کلام معمولاً نقابی است که

لس آنجلس در «شیر تو شیر» زندگی پیش زمینه در این نمایش نیز با روزمرگی و دلمردگی همراه است. همچون خودکشی فیل، مرگ بی هدف را بی خلاء و بیهودگی شخصیت های نمایش را بیش از پیش متجلی می سازد. اگرچه پیل و آنا و نیز لری و برتون راهی برای ایجاد پیوند با یکدیگر پیدا می کنند، تجربه آنها با یکدیگر آکنده از استیصال و خشم است. هر دو نمایش «شیر تو شیر» و «بسوزانش» نمایانگر تجربه خشم نیمه دهه هشتاد بر ضد سطحی گری هالیوود و نیویورک هستند. شخصیت های هر دو نمایش، واخوردگانی معتاد به مواد مخدرند که در حاشیه جامعه زندگی می کنند. ادی و پیل آدم هایی عصبی هستند که به طور ناگهانی از کوره در می روند و در نطق های غزای خود با همه ستیزه می ورزند. آنها سعی دارند با واقعیت ارتباط برقرار نمایند تا از بیهودگی و پوچی اوضاع معاصر خود راهی به بیرون جستجو نمایند و لیکن با شکست مواجه می شوند، زیرا که محصور و غرق در خویشتن اند. ادی و پیل گرچه می خواهند بر ضد نسلی که تنها به خویشتن اهمیت می دهد بشورند و لیکن در نهایت خود نیز دچار همان عارضه اند. ادی درباره زندگی در سایه یک کشتار اتمی سخن می گوید در حالی که پیل از شرایط سخت پارک کردن اتومبیل در نیویورک عصبانی است. هر دوی آنها چیزی را نشانه می گیرند که نشانگر نارضایتی های

دیگر در دهه هشتاد تأثیر عمیقی گذاشت. این دو نمایشنامه «شیر تو شیر» (۱۹۸۴) اثر دیوید ریب و «بسوزانش» (۱۹۸۷) اثر لنفورد ویلسون هستند.

نمایشنامه «شیر تو شیر» اثر ریب درباره زندگی شخصیت های حاشیه ای در هالیوود است، افرادی که زندگی خود را با الکل، مواد مخدر و زنان سهل الوصول سپری می کنند و دستاورد کارشان نیز مانند زندگی شان بی مصرف و دور انداختنی است. الکل و مواد مخدر باعث کرختی آنها می شود و آنان با زنان متعددی رابطه دارند بی آنکه عشق و احساس عمیقی در این رابطه ها موجود باشد. در نمایشنامه ریب، هالیوود سرابی است که سوخت آن با کوکائین تأمین می شود و پر از فریب و بدبینی است. ادی که شخصیت اصلی نمایشنامه «شیر تو شیر» است، به فیل که هنرپیشه ای با ظاهر و قیافه ای قوی و مردانه است (و در عین حال بهترین دوست اوست) می گوید که وی چیزی بیش از یک صحنه پُرن در فیلم های هالیوودی نیست که صرفاً برای آرایش صحنه مورد استفاده قرار می گیرد. فیل هم که به افسردگی روانی دچار است، به زندگی خود پایان می دهد.

در نمایشنامه «بسوزانش» اثر لنفورد ویلسون چهار شخصیت با نام های آنا، برتون، لری و رابی در یک آپارتمان زندگی می کنند. مرگ رابی در یک حادثه، برادر رابی بنام پیل را به صحنه نمایش وارد می سازد. صحنه این نمایش نیویورک است و لیکن همچون

در بانک را بگیرد. این موضوع رما را که اکنون شش هزار دلار سهم خود از این معامله را از دست داده است بی اندازه خشمگین می کند. وی با کلماتی مستهجن به ویلیامسون حمله می کند که وی اصولاً لیاقت مدیریت بنگاه را ندارد و بسیار در کار خود ناشی است .

پس از رفتن رما برای بازجویی پس دادن به پلیس، لوین حمله به ویلیامسون را ادامه می دهد و در همین جاست که وی اشتباه بزرگ خود را مرتکب می شود. وی در دفاع از پیرو و شاگرد خود رما (در ارتباط با دروغ نقد کردن چک) به ویلیامسون می گوید که «اگر می خواهی از خودت چیزی در آوری مطمئن باش که کمک خواهد کرد وگرنه بهتر است که دهن خود را ببندی.» در همین جا ویلیامسون در می یابد که کار دزدی شب پیش زیر سر لوین بوده است، زیرا تنها کسی که به بنگاه دستبرد زده باشد و چک را روی میز ویلیامسون دیده باشد، می تواند بداند که وی هنوز چک را نقد نکرده است. بدین ترتیب لوین ناچار می شود که به جرم خود اعتراف کند و او حتی دیگر با وعده رشوه نیز نمی تواند ویلیامسون را قانع کند که از گفتن حقیقت به پلیس منصرف گردد. لوین همچون ادیپوس و شاه لیر دچار این نقص اساسی است که خود مرتکب همان اشتباهی می شود که به دیگران درباره آن هشدار داده است .

طغیان ممت بر ضد خودخواهی و زیاده خواهی جامعه مصرفی مدرن بر دو نمایشنامه

burn this



burn this



burn this





A Soldier's Play

نوعی احساس همدلی با نژاد پرستی هیلتری و پاکسازی جامعه از نمونه های (به زعم وی) فرو دست نشان می دهد. به نظر واترز «عموتام» ها و نمونه های نظیر وی مایه بدنامی هستند و از پیشرفت سیاهپوستان چون خود وی جلوگیری می کنند. رفتار و گفتار یک سرجوخه سیاهپوست بنام سی. جی. ممفیس خون واترز را به جوش می آورد و واترز چنان با قساوت قلب با سی. جی. رفتار می کند که مایه خودکشی وی می شود. همین موضوع، خشم و کینه سیاهپوستان را نسبت به واترز شعله ور می سازد. اما واترز اندک مدتی پیش از قتل خویش متوجه می شود که نفرت سفیدپوستان نسبت به وی صرفنظر از هر عملی که وی انجام دهد، ادامه خواهد یافت و کلیشه های رفتاری و گفتاری سیاهپوستان نیست که نفرت سفیدپوستان را نسبت به سیاهپوستان دامن می زند زیرا نژاد پرستی ریشه هایی عمیق تر دارد. اگر نمایش فولر یک برخورد داخلی در جامعه سیاهپوستان و حس نفرت از خود را به نمایش می گذارد، ده نمایش دوره ای آگست ویلسون که هر یک به یک دهه از قرن بیستم اختصاص یافته است، ماهیت این برخوردها را با جزئیات بیشتر به نمایش می گذارد. تلاش ویلسون برای برقراری ارتباط با تاریخ سیاهپوستان، هر دو جنبه آفریقایی تبار و مسیحی سنت های سیاهان



A Soldier's Play

سفید پوستان رعایت می شود. سیاهپوستان در جنگ داخلی، جنگ جهانی اول و جنگ جهانی دوم شرکت کردند به این امید که شجاعت و لیاقت آنها در عرصه جنگ، حقوق برابر اجتماعی و فردی برایشان به ارمغان بیاورد. پیرنگ نمایش فولر حول قتل گروهبان واترز دور می زند. یک افسر سیاهپوست با نام کاپیتان ذونپورت را برای تحقیق در زمینه این قتل به خدمت می گمارند. در ابتدا به نظر می رسد که مرگ گروهبان واترز باید کار نژاد پرست های سفید پوست باشد. اما پس از بازپرسی از سربازان معلوم می شود که واترز دارای دشمنان شخصی سفید پوست و سیاهپوست بوده است. فولر به عمق نفرت و روابط پیچیده میان سربازان سیاهپوست نگاهی جدی می اندازد و تأثیر رفتارهای نژادپرستانه را بر روان سیاهپوستان مورد توجه قرار می دهد. سرانجام معلوم می شود که واترز توسط سربازان زیر فرمانش کشته شده است زیرا که رفتار وی با آنان پر از ستمگری و نفرت بوده است. واترز، یک سیاهپوست زیرک و جاه طلب با پوستی روشن، از سیاهپوستانی که در نقش سیاهپوستان سنتی ظاهر می شوند تنفر دارد و آرزوی آن را در سر می پروراند که فرزندانش را به مدارس سفید پوستان بفرستد و از سیاهان کناره بگیرد. او حتی



A Soldier's Play

عمیق تر است. در هر دو نمایش، شخصیت ها به جای آنکه با هم دیدار کنند، با یکدیگر برخورد می کنند. ایدی و پیل هر دو به این نتیجه رسیده اند که فاصله گرفتن عاطفی از دیگران و مواجهه خشم آلود با آنان بهترین روش برای مواجهه با سطحی نگری است. اما جدایی آنان از دیگر انسان ها و استعمال موادمخدر مانع از آن می شود که بتوانند ارتباطی انسانی با دیگران برقرار نمایند. آنها تنها در خشم، سرخوردگی و تلخی مزاج با یکدیگر توافق کامل دارند.

بدبینی و خشم، همچنین بن مایه بسیاری از نمایشنامه های سیاهپوستان در این دوره است. «نمایش سرباز» (۱۹۸۱) اثر چارلز فولر چنین شرایطی را به نمایش می گذارد. موضوع نمایش در دوره جنگ جهانی دوم اتفاق می افتد. در طول جنگ، سیاهپوستان بسیاری با افتخار در جنگ بر ضد نازیسم و فاشیسم شرکت می کنند. اگرچه جنگ برای گسترش دموکراسی و مبارزه با استبداد و نژادپرستی صورت می گیرد، ولیکن نوعی تبعیض و دورویی در این عرصه وجود دارد و در هر سه شاخه ارتش آمریکا می توان جدایی نژادی را مشاهده نمود. در جنگ، سیاهپوستان همچنان به کارهای پست گماشته می شوند و شجاعت و فداکاری های آنان در گزارش ها از عرصه جنگ بازتاب نمی یابد. حتی در صلیب سرخ، سیاست جدایی خون سیاهپوستان از

تولید کنندگان سفیدپوست نادیده گرفته می شود، خشم لوی متوجه دوستانش می شود. وی تَلدو را با چاقو به قتل می رساند و بدین ترتیب نقطه پایانی بر نقشه های خود برای کسب موفقیت و ثروت می گذارد. زبان ویلسون زیر و بالای زبان محلی سیاهپوستان آمریکا را به خوبی به نمایش می گذارد و هر دو وجه مقدس و مستهجن زبان و شخصیت های نمایش را در خود جای می دهد. شخصیت های نمایش های ویلسون در زمانی که باید به حیات روحانی خود بها دهند، سعی می کنند که با کسب مادیات بحران خود را حل و فصل کنند و در نتیجه در عرصه زندگی پریشان و سرگردان می مانند.

منبع:

Kane, Leslie. ed. David Mamet's Glengarry Glen Ross: Text and Performance. NY: Garland, 1996.

فهرست نام ها به ترتیب ظاهر شدن در متن:

- 1- Glengarry Glen Ross 2- Dave Moss 3- George Aaronow 4- Shelley Levene 5- John Williamson
- 6- Richard Roma 7- Oedipus - Hurlyburly
- 9- David Rabe 10- Burn This 11- Lanford Wilson 12- Eddie 13- Phil 14- Anna 15- Burton
- 16- Larry 17- Robbie 18- Pale 19- A Soldier's Play
- 20- Charles Fuller 21- Waters 22- Davenport
- 23- C.J. Memphis 24- August Wilson 25- Pittsburgh
- 26- Ma Rainey's Black Bottom 27- Cutler
- 28- Toledo 29- Irvin 30- Levee

موزیک او در این استودیو که توسط یک سفیدپوست اداره می شود، آهنگ های خود را ضبط می کنند. محبوبیت آهنگ های نژادی در دوره بازرایی هارلم، موقعیت تازه ای را برای سیاهپوستان پدید آورد. گروه موسیقی مارینی دارای چهار نوازنده با نام های کاتلر، تِلدو، ایروین و لوی است. لوی که ترومپت نواز گروه است، به سادگی به جوش می آید و البته خشم و عصبانیت او بی دلیل نیز نیست زیرا که وی شاهد کشته شدن پدر و مورد تجاوز قرار گرفتن مادرش بوده است، اما خشم او در مسیر نابجا به جریان می افتد و او را نه تنها از مردمان خویش بلکه از دیگر افراد گروه موسیقی خویش نیز بیگانه می سازد. تنش میان خواست لوی برای استقلال و احتیاج به هماهنگی در بین گروه نوازندگان، بالای می گیرد. لوی با حرص و طمعی که برای رسیدن به موفقیت و ثروت زود هنگام دارد، بسادگی فریفته می شود. او درآمد یک هفته اش را صرف خرید کفش می کند زیرا فکر می کند آن کفش ها برای او حیثیت و اعتبار می آورد. مشکل لوی آن است که برای پاک کردن گذشته خویش می خواهد خود را ریشه کن کند. وی در ازای کسب موفقیت، خود را به صنعت موسیقی سفیدپوستان می فروشد و حتی به تحقیر کار دیگر نوازندگان سیاهپوست می پردازد و کار آنها را فاقد تازگی و خلاقیت ارزیابی می کند و زمانی که موسیقی خود او توسط

را به تصویر می کشد. زخم هایی که بردگی بر بدنه تاریخ سیاهپوستان به جای گذاشته است، آداب و رسوم مناطق روستایی جنوب و نیز زندگی شهری شمال همگی در این نمایش ها بازتاب یافته اند. روابط پدر و فرزندی و نیز تأثیر حبس و زندان در پیش زمینه حوادث گوناگون دوره های متفاوت قرن بیستم آمریکا در این نمایش ها مطرح می شوند. تأثیر مهاجرت و بی ریشگی و نیز سنت های شفاهی و روایی سیاهپوستان در این مجموعه نمایش ها که به استثنای یکی از آنها همگی در پیتسبورگ اتفاق می افتند، تصویری گسترده از زندگی سیاهپوستان در قرن بیستم را برابر چشم ما مجسم می سازد. نوعی احساس بی مکانی و قراردادن در وضعیت انتقالی بر روان اکثر شخصیت های نمایش های ویلسون سنگینی می کند. در ذهن این شخصیت ها هنوز می توان آنچه را که ویلسون «خاطرات خونی» مربوط به انتقال از آفریقا به جنوب آمریکا و سپس مهاجرت به شمال آمریکا می نامد، مشاهده کرد.

نمایشنامه «بلک باتم مارینی» (۱۹۸۲) در سال ۱۹۲۷ در یک استودیوی ضبط آهنگ در شیکاگو اتفاق می افتد. مارینی خواننده افسانه ای موسیقی بلوز که آهنگی با نام «بلک باتم» بر اساس رقص معروف «بلک باتم» سیاهپوستان اجرا کرده است، و دسته

Ma Rainey's Black Bottom



Ma Rainey's Black Bottom



Ma Rainey's Black Bottom

